

نگاهی به کتاب غررالحکم و جواهرالکلم

سید محمد رضوی *

چکیده: ابوالفتح عبدالواحدبن محمدبن عبدالواحد تمیمی آمدی گرد آورنده برخی از کلمات و سخنان قصار علوی، شخصیتی شناخته شده و از علمای امامیه در قرن پنجم هجری است. کتاب وی غررالحکم و دُررُالکَلِم نام دارد. در میان نسخه‌های خطی، کتاب دیگری نیز یافت می‌شود که در نام و عنوان خود، شباهتی به غررالحکم و دررالکلم آمدی دارد، با این تفاوت که مؤلف آن شناخته نشده و نامی از وی در کتاب برده نشده است. با مقایسه مقدمه و محتوای هر دو کتاب و با شواهد موجود، این گمان قوت می‌یابد که کتاب دوم غیر از کتاب معروف «غرر» است. آنچه در ذیل ارائه خواهد شد، تحقیقی پیرامون این موضوع است.

کلید واژه‌ها: غررالحکم و دررالکلم / آمدی، عبدالواحد تمیمی / قرن پنجم / کلمات قصار علوی / غررالحکم و جواهرالکلم



اشاره

این تحقیق پیرامون سه محور اساسی به بحث خواهد پرداخت:
۱- معرفی عبدالواحد تمیمی آمدی صاحب غرر و گزارشی از شرح حال وی

* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱- عبدالواحد تمیمی و شرح حال وی:

چند تن از علماء و ارباب رجال همچون میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء^(۱)، محدث نوری در خاتمه مستدرک^(۲)، سید محمد باقر خوانساری در روضات الجنات^(۳)، محدث قمی^(۴) و مؤلف کشف الظنون^(۵) (حاجی خلیفه) در خصوص معرفی این شخصیت بزرگ، مطالبی را عرضه داشته‌اند که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

میرزا عبدالله افندی در توصیف شخصیت علمی و اعتقادی وی چنین گفته است: سید ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمدبن عبدالواحد تمیمی آمدی، فاضل و عالم برجسته و محدث شیعی و اثنی‌عشری است. و اینکه در مقدمه کتاب خود، بعد از ذکر نام مبارک امیرالمؤمنین، جمله دعائیه «کرم الله وجهه» را آورده است، نمی‌توان به غیر امامی بودنش استدلال کرد، زیرا یا این کار را بنا به تقیه انجام داده است و یا از اضافات نویسندگان و نسخه‌پردازان کتاب می‌باشد.

محدث نوری در فایده سوم از خاتمه مستدرک الوسائل، او را از مشایخ و اساتید ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ هجری قمری) معرفی کرده است، چرا که ابن شهرآشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب^(۶) صراحتاً گفته که از عبدالواحد تمیمی آمدی اجازه روایت دارد. از آنجا که تولد ابن شهرآشوب به سال ۴۸۸ هجری و وفاتش ۵۸۸ هجری بوده است^(۷) می‌توان تخمین زد که عبدالواحد تمیمی از علمای قرن پنجم هجری می‌باشد. این حدس و گمان - و نه یقین - از این روست که تاریخ تولد و وفات وی در دست نیست. البته برخی

۱- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲- خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۴۹۱.

۳- روضات الجنات، ص ۴۶۴.

۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۴۲.

۵- کشف الظنون، ج ۱، ستون ۶۱۶.

۶- مناقب، ج ۱، ص ۹.

۷- ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۸.

دانشوران چون میرزا محمد علی مدرس خیابانی در کتاب ریحانة الادب^(۱) و به تبعیت از صاحب معجم المطبوعات^(۲) تاریخ وفات وی را ۵۱۰ هجری قمری گزارش کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که این تاریخ، هرچند نزدیک، اما دقیق و حتمی نیست. محل ولادت عبدالواحد تمیمی آمدی - همچنان که از نامش پیداست - شهر آمد و یا آمد، از شهرهای میان دجله و فرات است. آن شهر، مرکز چشمه سارها و باغستانهای فراوان بوده و کشت و زرع در آن فراوان دیده شده است.^(۳)

بنابر آنچه ذکر شد، عبدالواحد آمدی شخصیتی ویژه و ممتاز در میان علمای شیعی دارد. از این علامه مجلسی در مقدمه بحار^(۴) وی را از ارکان و اعلام امامیه و از ارادتمندان به خاندان نبوی معرفی کرده است.

البته اگر وی در کتاب غررالحکم، احادیث را با سند روایت می‌کرد، بهتر و شایسته‌تر می‌توانستیم درخصوص شخصیت معنوی و اعتقادی او قضاوت کنیم. اما شاید بهترین دلیل برامامی بودن این عالم بزرگوار، احادیثی باشد که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. احادیثی که قلبهای بیمار از شنیدنش ابا و از نوشتن و گردآوری آن امتناع می‌ورزد. زیرا از مضامین آن اخبار، مطالبی استنباط می‌شود که اساس عقاید و پایه معارف و مبنای مذهب تشیع است و مخالف با این مذهب بدان اعتقاد نمی‌یابد و نقل آن را موجب گمراهی و ضلالت می‌داند.^(۵)



۱ - همان.
 ۲ - معجم المطبوعات، ج اول، ستون ۹.
 ۳ - تقویم البلدان، ج ۱، ص ۲۰. ۴ - مقدمه بحارالانوار، ص ۸.
 ۵ - درباره غررالحکم آمدی، بنگرید به مقدمه ممتع استاد سید جلال الدین محدث ارموی بر شرح غررالحکم آقا جمال خوانساری جلد اول چاپ دانشگاه تهران؛ نیز: مقاله نگاهی به شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم نوشته سید حسن اسلامی و مقاله کتابشناسی غررالحکم نوشته ناصرالدین انصاری قمی در فصلنامه علوم حدیث شماره ۱۱ (بهار ۱۳۷۸).

۲- گزارشی کوتاه از نسخه‌های موجود غرالحکم

۲-۱- گزارشی کوتاه از نسخه‌های موجود غرالحکم

پیش از ورود به بحث تذکر می‌دهد که نسخه‌های متعددی از کتاب غرالحکم و دررالکلم آمدی در کتابخانه‌ها و مراکز علمی معتبر وجود دارد که برای نمونه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف- نسخه‌ای بسیار نفیس با جلد و سرفصلهای طلاکاری به شماره ۱۸۶ در کتابخانه حضرت رضا علیه السلام، که در سال ۹۶۱ هجری به دست کاتب آن بهاءالدین حسین خاتمه یافته است.

ب- نسخه دیگری در همان کتابخانه به شماره ۱۱۶۸ و با خط نه چندان خوش و زیبا موجود است که تاریخ نگارش آن ۵۱۷ هجری قمری (بسیار نزدیک به زمان مؤلف) است.

ج- نسخه دیگری با خط نسخ و نفیس و جلد طلاکاری شده طی شماره ۳۰۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و بدون ذکر تاریخ موجود است.

د- یکی دیگر از نسخه‌های این کتاب در کتابخانه ملک طی شماره ۲۴۳۷ وجود دارد که کاتب آن علی بن اسماعیل بن یوسف، در شب سیزدهم ماه رمضان ۷۱۷ هجری در شهر بغداد آن را به پایان رسانده است.

البته نسخه‌های دیگری از این کتاب در دیگر کتابخانه‌ها و دیگر شهرها مشاهده شده که از ذکر آن خودداری می‌کنیم. این کتاب توسط مرحوم حاج محمدعلی انصاری به فارسی و در دو مجلد ترجمه شده است. همچنین محقق و محدث بزرگ قرن یازدهم مرحوم آقا جمال خوانساری شرحی ارزشمند بر این کتاب به زبان فارسی نگاشته است.

۲-۲- بررسی مقدمه غرالحکم و بیان انگیزه مؤلف در تألیف آن

عبدالواحد تمیمی صاحب غرالحکم و دررالکلم در مقدمه کتاب، قصد خود را در جمع‌آوری سخنان گوهریار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، بدین سان بیان می‌دارد: «آنچه که مرا تشویق نمود و بر آن داشت که به نگارش و گردآوری این مجموعه بپردازم، کاری بود

صد کلمه از کلماتی که سوده‌های فراوان دربردارد و لذت‌های معنوی به گوشها می‌رساند. به محض آنکه بر کار جاحظ آگاه شدم، در شگفت آمدم و با خود گفتم: چگونه است که شخصیتی چون جاحظ با آن سابقه و شخصیت علمی از بسیار به اندکی اکتفا کرده است؟! مگر کار وی جزئی از کل و یکی از هزار و قطره‌ای از دریا نیست؟

آنگاه من با همه مشغله و پریشانی خاطر و در حالی که به عجز و ناتوانی خود واقف بودم، عزم خود را جزم ساختم تا آنجا که در تیررس فکر و اندیشه‌ام باشد، سخنان آن حضرت را گردآورم و کتابی در این باب عرضه دارم، و برخی از حکمت‌ها و اندکی از بی‌شمار سخنان آن حضرت را - که سخنوران و حکمای جهان از آوردن مثل آن عاجز و ناتوانند - جمع کنم. خداوند خود بهتر می‌داند که در این میدان، همچون مگسی بودم که می‌خواست دریا را با دست پیمانه کند و کوه را با ناخن ناتوان خویش بخرشد. و باز بیش از این به تصور و کوتاهی خود معترفم.

چگونه چنین نباشم؟ و حال آنکه آن حضرت از چشمه‌سار نبوی سیراب گشته و علم و حکمت الهی سینه‌اش را لبریز ساخته است. و دانشمندان و پیشگامان نقل و حدیث، این سخن را از آن حضرت به ما رسانده‌اند که فرمود: «آگاه باشید که میان دو پهلوی من، علم فراوانی انباشته گشته است. ای کاش به نگاهدارنده آن دست می‌یافتم»^(۱) و کمی دوش دل را از این بارگران الهی سبک می‌ساختم...

برای اختصار، اسناد آن سخنان را حذف کردم، کلماتش را به ترتیب حروف تهجی مرتب ساختم، سخنان حکیمانه و کلمات آن حضرت را از حیث سجع و قافیه موافق و مطابق یکدیگر قرار دادم، به این ترتیب آن کلمات بهتر در گوش جای می‌گیرد و در دلها فرود می‌آید زیرا درون انسان‌ها به سوی کلام منظوم بیشتر تمایل دارد. همچنین حفظ آن سخنان به خواننده آسانتر و الفاظش - برای کسی که می‌خواهد از آن لعل‌ها و مرواریدهای درخشان برگیرد - جذاب‌تر است. با تمام این اوصاف، من این گزیده را از

۱ - إن بین جنبی لعلماً جَمَا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً (نهج البلاغه، خ ۱۴).

ترس اطناب، به ایجاز و اختصار فراهم آوردم تا خواننده را رنجی نرسد و به ادبانه و خردمندان، شادی و شغف ارزانی دارد. و این کتاب را «غررالحکم و دررالکلم» نام نهادم».

۳-۲- بررسی مقدمه نسخه خطی مورد بحث:

آنچه اینک به گزارش آن خواهیم پرداخت، ذکر نکات برجسته و اساسی مقدمه نسخه خطی است که در مقام معرفی و مقایسه آن با غررالحکم و دررالکلم آمدی برآمده‌ایم. پس از بیان نکات ارزنده، هر دو مقدمه را با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد و در خاتمه به نتیجه‌گیری و گمانه‌زنی خواهیم پرداخت.^(۱)

مقدمه کتاب^(۲) با عبارت « الحمد لله قابل أولیائه من شکوک الظلم العمی » آغاز و با جمله « من الله استمد التوفیق لما یرشد الی الصواب، و برحمته أعتصم » پایان می‌پذیرد. در این مقدمه نامی از مؤلف و عنوان کتاب ذکر نشده است. هرچند در صدر و ابتدای مقدمه، کاتب نسخه، با عنوان غررالحکم و جواهر الکلم از آن نام برده است.

از این کتاب، به نام‌های «غرر جوامع الکلم»^(۳) و نیز «کشاف العقول والادیان»^(۴) نام برده‌اند.

این کتاب حاوی کلمات و جملات قصار علوی^{علیه السلام} است که به ترتیب حروف تهجی

۱- باید دانست که نسخه‌های متعددی از این کتاب نیز وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

- نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۴۵۲۲ (فهرست مجلس، ج ۱۱، ص ۲۱۷)

- نسخه عکسی به شماره ۲۱۱ موجود در مرکز احیاء میراث اسلامی. (فهرست نسخه‌های عکسی، مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۶ و ۲۳۷)

- سه نسخه به شماره‌های ۶۳۱، ۶۳۲ و ۶۳۳ بنام غررالحکم و جواهر الکلم موجود در کتابخانه حضرت رضی الله عنه (فهرست کتب خطی آستان قدس، ج ۵، ص ۲۲۵ الی ۲۲۷).

۲- این مقدمه از نسخه موجود در مجلس شورای اسلامی گزارش می‌شود.

۳- مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴.

۴- فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۶.

مرتب شده است. آغاز آن جمله گوهربار «إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ» می باشد و پایان کتاب با جمله «يُسْتَدَلُّ عَلَى حِلْمِ الرَّجُلِ بِقَلْبَةِ كَلَامِهِ وَ بِمَرُوتِهِ بِكَثْرَةِ إِنْعَامِهِ» مزین گشته است.

ارادت و خضوعی که مؤلف کتاب نسبت به رسول بزرگوار اسلام و خاندان نبوی صلوات الله عليهم در مقدمه کتاب از خود نشان داده، به روشنی نشان می دهد که مؤلف از معتقدان به مذهب امامیه و از اعلام و بزرگان ایشان است.

وی از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام با عباراتی چون «سید الاوصیاء، اکرم الاصفیاء، یعسوب الدین، امام المتقین، حبل الله المتین، نورالله المبین، عصمة المؤمنین، خلاصة المنتجبین، خیرة الصدیقین و صفوة عبادالله المقربین و...» یاد کرده است.

مؤلف انگیزه خود را در گردآوری کلمات قصار حضرتش چنین بازگو می کند: «من از ابتدای جوانی علاقمند به بهره گرفتن و خوشه چینی از مواظ و خطب بزرگان و عالمان بودم، پندها و مواظی که می توانست به تنهایی قلب های مستعد و مهذب را از عالم فناپذیر دنیا به عالم ملکوت و بقا پیوند دهد و یکباره ایشان را از زیب و زیورهای دنیا و تجملات آن ببرد و به همنشینی و مصاحبت با ملائکه مقرب پروردگار فراخواند. اندیشه های نابی که می توانست غبار تیره و تاریک دنیا و خانه ویران را از عقل های ایشان بزداید!

با چنین افکاری عمر می گذراندم و همواره خود را ملزم به حفظ و نگاهداری مواظ علماء و وصایای حکماء می دانستم و تمام تلاش و هم و غم خود را متوجه این کار می داشتم، تا آنکه این سعی و تلاش بی وقفه، مرا به صراط حق رهنمون ساخت و بر کتاب نهج البلاغه علوی آگاه نمود...

من در کلام علوی به تأمل پرداختم و در عبارات گوهربار آن به اندیشیدن مشغول گشتم. هرچه بیشتر مطالعه کردم، بر حیرت و سرگشتگی من افزوده شد. خود را در مقابل دریای بیکران می دیدم که ساحلی برای آن متصور نبود! عقول اندیشمندان در مقابل آن شیفته و حیران می شد. گویی نوری الهی آن کلمات را لمس کرده و در آغوش خود فشرده بود و رایحه ای خوش از کلام نبوی سرتاسر آن عمارت را عطرآگین ساخته

Archive of SID بود. جزء جزء آن عبارات، دریایی از حکمت را در خود جای داده بود و بخش بخش آن

حاوی حقایق و معارفی بود که می توانست مشکلات و مبهمات علم را مرتفع سازد؛ نورانیتهی خاص به افکار و اندیشه ها بیخشد، چشمها را باز و گوشها را شنوا سازد. و چرا اینگونه نباشد؟ در حالی که صاحب آن کلمات گوهربار، همنشین و مصاحب پیامبر خدا ﷺ بود که سینه اش از علم الهی لبریز و علم اولین و آخرین بدو سپرده شده بود... تا آنجا که می نویسد: «فَتَأْمَلْتُ كَلَامَهُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ تَأْمَلُ الْمُعْتَبِرُ وَ تَفْخَصُّهُ تَفْخَصُّ الْمُفْتَكِرِ، فَشَاهَدْتُ فِي ضَمَنِ خُطَابِهِ دُرراً مَنْشُوراً وَ فِي طَيِّ خُطْبِهِ وَ مَوَاعِظِهِ فِقْراً مَنْشُوراً. فَرَأَيْتُ أَنْ أَرَمَ شِوَارِدَ حِكْمِهِ إِلَى مَجَانِسَاتِهَا وَ انْظَمَ جِوَاهِرَ فِقْرِهِ إِلَى مَتَنَسَابَاتِهَا. لِتَنْسَقَ مَعَانِيهِ وَ يَسْهَلَ عَلَى النَّاطِرِ مَعَانِيهِ. فَجَمَعْتُ حِينَئِذٍ بَيْنَ الْفَاطِئَةِ الْمُنْسَقَةِ وَ مَعَانِيهِ الْمُتَفَقِّهِ. وَ جَمَعْتُ بَيْنَ فَرَايِدِهِ الشُّوَارِدِ، حَتَّى نَظَمْتُهَا فِي عَقْدٍ وَاحِدٍ. وَ أَوْضَحْتُ أَسْجَاعَهُ الْمُتَوَازِنَةَ إِضْوَاحَ الْمَفْهَمِ. وَ رَتَّبْتُهَا عَلَى تَرْتِيبِ حُرُوفِ الْمُعْجَمِ، لِیَحْتَوِيَ الْمُخَاطَرُ عَلَى مَعَانِيهَا وَ يَسْهَلَ فَهْمُهَا عَلَى النَّاطِرِ فِيهَا وَ ...»

کوتاه سخن، کلام مؤلف دلالت بر آن دارد که وی ضمن مطالعه و بررسی خطبه ها و کلمات آن حضرت، نظمى خاص به آن بخشیده و آن را براساس حروف تهجى مرتب ساخته است تا در مطاطه آن رنجى به خواننده نرسد و خاطر وی را آزرده نسازد و معانى کلام آن حضرت، به سادگى فهمیده و دریافت شود.

۲-۲- بیان نقاط اشتراك و اختلاف دو مقدمه :

نقاط اشتراك و اختلاف که در مقایسه این دو مقدمه به دست می آید، به ترتیب ذیل بیان می شود :

الف - چنانکه پیش از این یادآور شدیم، انگیزه عبدالواحد تمیمی در گردآوری کلمات قصار علوی، پیش دستی ابوعثمان جاحظ در این کار بوده است که فقط توانسته بود صد کلمه از سخنان حضرتش را جمع کند. اما در مقدمه نسخه مورد بحث، در این باره سخنی به میان نیامده است. بلکه انگیزه جمع آوری را علاقه ای می داند که مؤلف به مواعظ و وصایای علماء داشته و سرانجام دستیابی وی به نسخه ای از نهج البلاغه، او را به این کار، ترغیب و تشویق کرده است.

ب - هر دو مقدمه اشاره به آن دارند که کلمات و سخنان علوی براساس حروف تهجی مرتب شده است. بنابراین در این ترتیب و نظم بخشی، با یکدیگر برابر و مشترکند. باید دانست که چینش و انتخاب کلمات و سخنان، در هر دو کتاب، با یکدیگر اختلاف اساسی دارد. البته مشترکاتی را می‌توان در میان آن دو یافت، اما در مواردی چند نیز با یکدیگر تفاوت دارند که در محور سوم از بحث خود به آن اشاره خواهیم کرد.

ج - بنابر مقدمه اول، مرحوم آمدی، اسناد سخنان حضرت را، برای اختصار و پرهیز از اطاله کلام حذف کرده است. هرچند در مقدمه دوم به این مسئله اشاره نشده، اما در آن کتاب نیز اسناد سخنان ذکر نشده است.

د - عبدالواحد آمدی آشکارا در مقدمه کتاب خود بیان می‌دارد که نام کتاب را «غررالحکم و دررالکلم» برگزیده است. اما در مقدمه نسخه مذکور، نامی از کتاب به میان نیامده و این کتاب به نام «غررالحکم و جواهر الکلم» و گاه به نام «غررجموع الکلم» یا «کشاف العقول و الادیان» مشهور شده است.

۳ - مقایسه متن و محتوای هر دو کتاب :

با مقایسه متن و محتوای هر دو کتاب توسط نگارنده، چند نتیجه به دست آمد :

الف - در بسیاری از موارد، هر دو کتاب در ارائه کلمات و سخنان علوی کاملاً مشترک و برابرند. به عبارت دیگر، سخنی را که مرحوم آمدی در کتاب غرر بیان داشته، عیناً می‌توان آن را در نسخه مذکور نیز یافت.

ب - برخی از سخنان و کلمات قصار در هر دو کتاب اشتراک دارند، اما این اشتراک، ناقص است، یعنی با اندکی تغییر و دگرگونی در نسخه دیگر دیده می‌شود.

ج - کلمات و سخنانی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، در نسخه مورد بحث وجود دارد که در کتاب غرر مذکور نیست.

د - از آنجا که مبنای مرحوم آمدی در جمع سخنان، اختصار و دوری از اطاله کلام بوده است، سخنانی در کتاب وی یافت می‌شود که عین آن سخنان در نسخه مذکور، البته با شرح و بسط بیشتری ارائه شده است.

هـ - مؤلف نسخه مورد بحث، انگیزه خود را در جمع سخنان حضرتش، دست‌یابی به کتاب نهج البلاغه عنوان کرده، اما بسیاری از کلمات قصار این نسخه در کتاب نهج البلاغه - که اکنون نزد ما موجود است - وجود ندارد. این نشان می‌دهد که وی در جمع‌آوری این کلمات و سخنان، از منابع و مآخذ دیگری غیر از منابع سید رضی گردآورنده نهج البلاغه بهره جسته است.

خاتمه

در خاتمه بحث خود، به ذکر نمونه‌هایی از کلمات قصار علوی موجود در نسخه خطی مورد بحث در شش گروه می‌پردازیم:

۱ - کلمات و سخنانی که در نسخه خطی «غررالحکم و جواهر الکلم»، غررالحکم آمدی و نهج البلاغه موجود است. عباراتی مثل:

- العلمُ مقرونٌ بالعملِ فمن عَمِلَ عملَ (در نسخه خطی غررالحکم؛ کتاب غرر آمدی، باب حرف عین؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۶)

- ذمّتی بما اقولُ رهینتُهُ وَاَنَا بهِ زَعِيمٌ (دو کتاب غرر، باب حرف ذال؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

۲ - کلمات و سخنانی که هم در نسخه خطی غررالحکم و جواهر الکلم و هم در کتاب غررالحکم آمدی وجود دارد، اما در نهج البلاغه سراغی از آن نمی‌توان پیدا کرد. مانند:

- زَكَاةُ الصَّحَّةِ السَّعْيِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ (هر دو نسخه، باب حرف زاء)

- خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هَدًى (هر دو نسخه، باب حرف خاء)

- دَوَامُ الصَّبْرِ عُنْوَانُ الظَّفَرِ (هر دو نسخه، باب حرف دال)

۳ - کلمات و سخنانی که هم در نسخه خطی غررالحکم و جواهر الکلم و هم در نهج البلاغه مذکور است، اما در کتاب غررالحکم آمدی موجود نیست. مانند:

- إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ أَعَانَهُ عَلَى نَفْسِهِ (نسخه خطی غرر، باب حرف همزه؛

نهج البلاغه، خطبه ۸۷)

- العلمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَاِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ (نسخه خطی غرر، باب حرف عین؛

- ۴- کلمات قصاری که فقط در نسخه خطی یاد شده آمده است : مانند :
- الفجورُ سائقٌ إلىٰ سخطِ اللهِ قائداً الىٰ عذابِ النَّارِ (نسخه خطی غرر، باب حرف فاء)
- يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ لَا يَخْلُو فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنْ طَاعَةِ رَبِّهِ (نسخه خطی غرر، باب حرف ياء)
- ۵- کلمات و سخنانی که در نسخه خطی غرر نقل شده و با اندکی تغییر یا اضافه در کتاب غررالحکم آمدی آمده است. عباراتی مثل :

- ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ نَدَامَةٌ (نسخه خطی غرر) / ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ مَلَامَةٌ (غررالحکم آمدی)
- زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ (نسخه خطی غرر) زَكَاةُ الْبَدَنِ الْجِهَادُ وَالصِّيَامُ (غررالحکم آمدی)
- ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ النِّجَاةُ (نسخه خطی غرر) / ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ الْفَوْزُ عِنْدَ اللَّهِ (غرر آمدی)
- ۶- مواردی که در کتاب غرر آمده و با شرح و بسط بیشتری در نسخه خطی مذکور

است. مثل :

- المعروف كَنْزٌ (غرر آمدی، باب حرف میم) / المعروف كَنْزٌ فَانظُرْ عِنْدَ مَنْ تُودِعُهُ (نسخه خطی)

در پایان از استاد محقق و توانا جناب آقای عبدالحسین حائری، دوست و برادر دانشمند جناب آقای محمود نظری که با ارشادات و راهنمایی‌های خود و نیز در اختیار قراردادن کتب و نسخه‌های مورد نیاز، بنده را در نگارش این مختصر یاری رساندند و همچنین از استاد ارجمند جناب آقای عبدالحسین طالعی که این موضوع را جهت ارائه مقاله پیشنهاد کرده و زمینه چاپ آن را فراهم نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.



فهرست منابع و مآخذ :

- ۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۶.
- ۲- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، ط دوم، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ. ۱۹۸۳ م.
- ۳- تقویم البلدان، ابوالفداء اسماعیل بن علی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ

- ۴- روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری، دارالاسلامیه، ط اول، بیروت، ۱۴۱۱ هـ. / ۱۹۹۱ م
- ۵- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، تحقیق سید احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ هـ.
- ۶- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، محمد علی مدرس خیابانی، کتابفروشی خیام، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۷- سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، عباس قمی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۶ هـ. / ۱۳۷۴ ش.
- ۸- فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، مهدی ولایی، تحقیق سید محمد رضا رضاپور، ط دوم، ۱۳۷۹ ش.
- ۹- فهرست کتابخانه مجلس، تحریر و چاپ و فهرست احمد منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۰- فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، زیر نظر سید احمد حسینی اشکوری، ط اول، ۱۳۷۷ هـ. ش / ۱۴۱۹ هـ. ق.
- ۱۱- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه، چاپ استامبول، ۱۳۶۰.
- ۱۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ط اول، بیروت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۷ م.
- ۱۳- مصادر نهج البلاغه و اسانیده، سید عبدالزهراء حسینی خطیب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵ هـ / ۱۹۷۵ م.
- ۱۴- معجم المطبوعات العربیة، یوسف الیان سرکیس، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق / ۱۳۶۸ ش.
- ۱۵- مناقب آل ابی طالب، ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، تحقیق یوسف بقاعی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.